



با قوانین و ضابطه های اسلامی در مغایرت باشد، اصلن پذیرفتنی نبوده و مورد تردید قرار داده خواهند شد. اما نامبرده از اینکه کدام بخش ها و چه مواردی از قانون اساسی دوره جمهوری اسلامی افغانستان در چه مواردی خلاف احکام اسلامی می باشد، لب از لب نگشوده و در مورد سخنی بر زبان نیاورد، در حالی که قانون اساسی یادشده دوره جمهوری اسلامی افغانستان با حضورداشت و شرکت مستقیم علمای اسلامی و روحانیون جامعه افغانی ترتیب و تهیه گردیده و هیچگونه تقابلی با روحیه و اساسات اسلامی در آن اصلن بمشاهده نمی رسد. بر بنیاد قانون اساسی یادشده، اسلام بمثابه دین رسمی کشور پذیرفته شده و تذکر بعمل آمده که هیچگونه قانونی مغایر با اساسات دین اسلام در کشور نمی تواند وجود داشته باشد.

اما بنظر می رسد که "طالب"ها اصل موجودیت آزادی مذهبی و فرهنگی و اصل حقوق مساوی برای شهروندان کشور را "غیراسلامی" پنداشته و مورد تردید قرار می دهند. در قانون اساسی دوران جمهوری اسلامی افغانستان، تمامی شهروندان کشور از حقوق مساوی شهروندی برخوردار بوده، پبنتو و دری بمثابه زبان های رسمی کشور پذیرفته شده و از برسمیت شناختن مذاهب حنفی و جعفری نیز تذکر بعمل آمده بود.

افزون بر مسایل و موارد ذکر شده در مورد زبان های رسمی کشور و موجودیت فرقه ها و گروه های مختلف جامعه افغانی، بر بنیاد مواد قانون اساسی یادشده، همه پیروان سایر مذاهب دیگر نیز می توانستند با آزادی کامل و بی چون و چرایی با اجرای مناسک دینی و مذهبی شان مبادرت ورزیده و در کاربرد زبان مورد نظر نیز مستقل و آزادانه صحبت و افهام و تفهیم نموده و همچنان مطابق میل شان می توانستند بانتخاب شغل مبادرت ورزند.

اما از زمانی که کشور تحت نظارت "طالب"ها قرار گرفت، آنها مخالفت آشکار شان را با برسمیت شناختن زبان دری نشان دادند، در حالی که زبان دری برای بیشتر از نیمی از شهروندان کشور بمثابه زبان بومی آنها بشمار می آید. لوحه ها و کتیبه های تهیه شده باین زبان را از مؤسسات و دانشگاه های دولتی برچیدند. با وجود آنکه "طالب"ها مخالفت شان را با مذهب جعفری بگونه آشکاری بیان نمی نمایند، اما مورد دیگر در بخش یادشده یکی هم اینکه آنها تدریس حقوق جعفری را از فهرست دروس دانشگاه ولایت بامیان حذف نمودند.

با وجود اعلامیه های پی اندرپی "طالب"ها در مورد وضع کنونی کشور، تنها از مرعی الاجرا قرار گرفتن قانون اساسی دوران ظاهرشاه سخن در میان می باشد. رهبر "طالب"ها همچنان یادآور گردید مقرراتی که توسط اشخاص و افرادی در داخل محدوده کشور تهیه و ترتیب می گردد، اصلن فاقد اعتبار بوده و ضمانت اجرایی ندارد. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که حاکمیت آنها صرف احکام الهی را مرعی الاجرا پنداشته و سایر مسایل و معضلات موجود، بر بنیاد شریعت و فقه مورد حل و فصل قرار خواهد گرفت.

اعلامیه های یادشده نشان دهنده این واقعیت می باشد که "طالب"ها با وجود آنکه برخی از مواد و بخش هایی از قانون اساسی دوره ظاهرشاه را می پذیرند، اما در تطبیق و اجرای عملی موارد آن چندان مشتاق و پیگیر نبوده که در چنین وضعیتی، کشور ما عملن اصلن بدون موجودیت قانون اساسی اداره و رهبری می گردد.

از زمان اعلام استقلال کشور ما توسط شاه امان الله، این نخستین مراتبه است که کشور ما بدون قانون اساسی و نبود مقررات موجود و اما توسط اراده یگانه فرد معین و ناشناخته ای کاز حضور فزیکوی وی نیز نشانه ای در میان نمی باشد، اداره و رهبری می گردد.

در مورد انتخابات و برگزیدن رهبران توسط آرای شهروندان کشور پایست یادآور شد کانتخاب وگزینش رهبران و مسؤلان دولتی توسط آرای شهروندان کشور، از طریق انتخابات آزاد و شفاف، از جمله اساسات بنیادی حاکمیت های دموکراتیک را تشکیل می دهد. پس از سقوط "طالب"ها در سال ۲۰۰۱، شهروندان کشور برای نخستین مراتبه بمنظور انتخاب رهبر کشور بپای صندوق های رأی گیری حضور بهم رسانیدند. در امتداد مدت زمان ۲۰ سال پسین، شهروندان کشور چندین مراتبه وضعیت یادشده را تجربه نمودند. اما نحوه شمارش آرا آنچنان کانتظار برده می شد، انجام نگرفته، بلکه در بسیاری از حوزه های رأی گیری، سواستفاده ها و جعل کاریهای گسترده ای نیز صورت گرفت.

اما در وضعیت و شرایط کنونی و حاضر، "طالب"ها، انتخابات را بمفهوم وسیع کلمه، مورد تردید قرار داده و در عمل به نقش و اثرگذاری شهروندان کشور در تعیین سرنوشت شان اصلن باور ندارند. در امتداد زمانی ۲۰ سال پسین، "طالب"ها انتخابات در بخش های مختلف را مختل نموده و شهروندان کشور را با استفاده از تهدید و شانتاز از رفتن بمراکز رأی دهی و شرکت در انتخابات بر حذر داشتند. در برخی حالات، "طالب"ها به قطع انگشتان رأی دهنده

ها نیز مبادرت ورزیده و حملات خونینی را بر مراکز و محلات رأیده می نیز سازماندهی و اجرا نمودند. اکنون کآنها از یک گروه شورشی بحزب حاکم برسرنوشت کشور مبدل گردیده اند، به ندآها و آرزومندی های شهر و ندان کشوری اعتنایی نموده و اما از آنها تقاضآ دارند باوامر و هدایت های رهبرومنجی ای که تاکنون هم شخص ویا فردی از هموطنان ما آنرا به چشم ندیده اند، باید بآن و "فادار" و "صادق" باشند.

در پایان دیدارهای جداگانه بنیادگراها در کابل و کندهار، "طالب" ها اعلام نمودند که شرکت کننده های نشست های یاد شده وفاداری شان را بر رهبران تحریک متذکره ابراز نموده و مخالفت با آن را بمثابه بغاوت و نافرمانی در قبال رهبری تحریک یاد شده دانسته و مقابله با آن را هم برای "طالب" ها و هم برای سایر شهروندان کشور "واجب" می پندارند.

از منظر نگاه و نقطه دید بنیادگراها، اصل بیعت در شرع تعریف گردیده و اجرای عملی آن "واجب" شمرده شده که بر بنیاد آن، رهبران درگردهمایی ها و نشست های بزرگ و مهم به شهروندان کشور چنین الفأ می نمایند که "علمآ" و "موسپیدان قومی و قبیلوی"، بنمایندگی از سایر شهروندان کشور، درامر وفاداری و صداقت بر رهبر تحریک "طالب" ها سوگند یاد نموده اند. بنا برین، پس از وضعیت اینچنینی، نامبرده بمثابه رهبر قانونی آنها پنداشته می شود.

نباید فراموش نمود که نحوه عملکرد و موضعگیری "طالب" ها در قبال بانوان کشور، بمثابه جنایت علیه بشریت پنداشته میشود. فعالان حقوق بشر سازمان ملل معتقدند که چگونگی عملکردهای "طالب" ها، بویژه در امتداد یک سال و نیم پسین حاکمیت آنها در افغانستان بگونه مستقیمی جنایت علیه بشریت بحساب می آید. با تصرف قدرت توسط "طالب" ها، بانوان کشور ما از حقوق اساسی و عمده شان، از جمله از حق تحصیل و کار محروم گردیده، از گشت و گذار در پارک های عمومی و سایر اماکن اجتماعی در خارج از منزل منع گردیده اند. در یادداشت تهیه شده توسط برخی از کارشناسان مستقل تذکر بعمل آمده که حاکمان افغانستان حتا برای سرگرمی های اطفال و نوجوانان کشور نیز محدودیت هایی وضع نموده و بانوان کشور نیز در چهار دیواری منزل محبوس گردیده و بگمان اغلب، خشونت های خانوادگی نیز از دیاد حاصل نموده که بخودی خود، سبب ساز ایجاد معضلات روحی و مشکلات روانی در خانواده ها گردیده است.

مدتی قبل، مرد همراه بانوان را بجرم عدم مراعات نمودن حجاب شرعی و بدلیل نپوشاندن کامل سرو صورت آنها، بگونه بیرحمانه ای مورد ضرب و شتم قرار دادند. این نخستین بار نیست که "طالب" ها در قبال مردان همراه با بانوان بشدت و بگونه بیرحمانه ای برخورد می نمایند.

"طالب" ها به مردان و پسران خانواده ها وظیفه می سپارند تا بانوان و دختران خانواده های شان را بگونه جدی و همیشگی تحت نظارت قرار داده، نوع لباس پوشیدن آنها را مراقبت نموده و حتا مردان خانواده بانوان و دختران خانواده اش که مقررات وضع شده را نقض می نمایند، در داخل منزل مجازات نمایند. همچنان بایست در این مورد یادآوری کرده و خاطر نشان نمود که اصل خشونت های جنسیتی توسط مقامات رسمی حکومتی در خانواده ها نهادینه می گردد. فعالان سعی می ورزند تا با وضعیت اینچنینی، مبارزه نموده و از تعقیب و زندانی نمودن های خودسرانه جلوگیری بعمل آید. مدافعان حقوق بشر سازمان ملل، نگرانی عمیق شان را در مورد بانوان کشور ما و بویژه زندانی نمودن فعالان زن افغان ابراز می نمایند. از چگونگی عملکردهای اینچنینی، بویژه در قبال بانوان کشور که همه و همه با انجام اقداماتی آنها بگونه خشن و تبعیض آمیزی از قوه بفعال مبدل می گردد، نباید از آنها همه به سادگی چشم پوشی بعمل آید.

از جانب دیگر، لازمه وفاداری بمفهوم تردید انتخابات و عدم پذیرش سیستم و شیوه دموکراتیک حکومتداری پنداشته شده که سعی در ایجاد و تشکل "خلافت" را با موانعی مواجه می نماید، چه در آن بزودترین فرصت ممکن، "خلیفه" برگزیده شده و اعضای شورای یاد شده جانشینش را نیز انتخاب و تعیین نموده و می گمارند.

اما بهیچوجه نباید فراموش نمود که بدون شک، در عصر کنونی و شرایط و وضعیت موجود، قدرت اینچنینی که بگونه همزمان و به شیوه توتالیتاریستی حرکت می نماید، دیری نپاییده و اما پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن برای کشور عزیز ما جبران ناپذیر خواهد بود.

شنبه ۱۹ ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۰ ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی